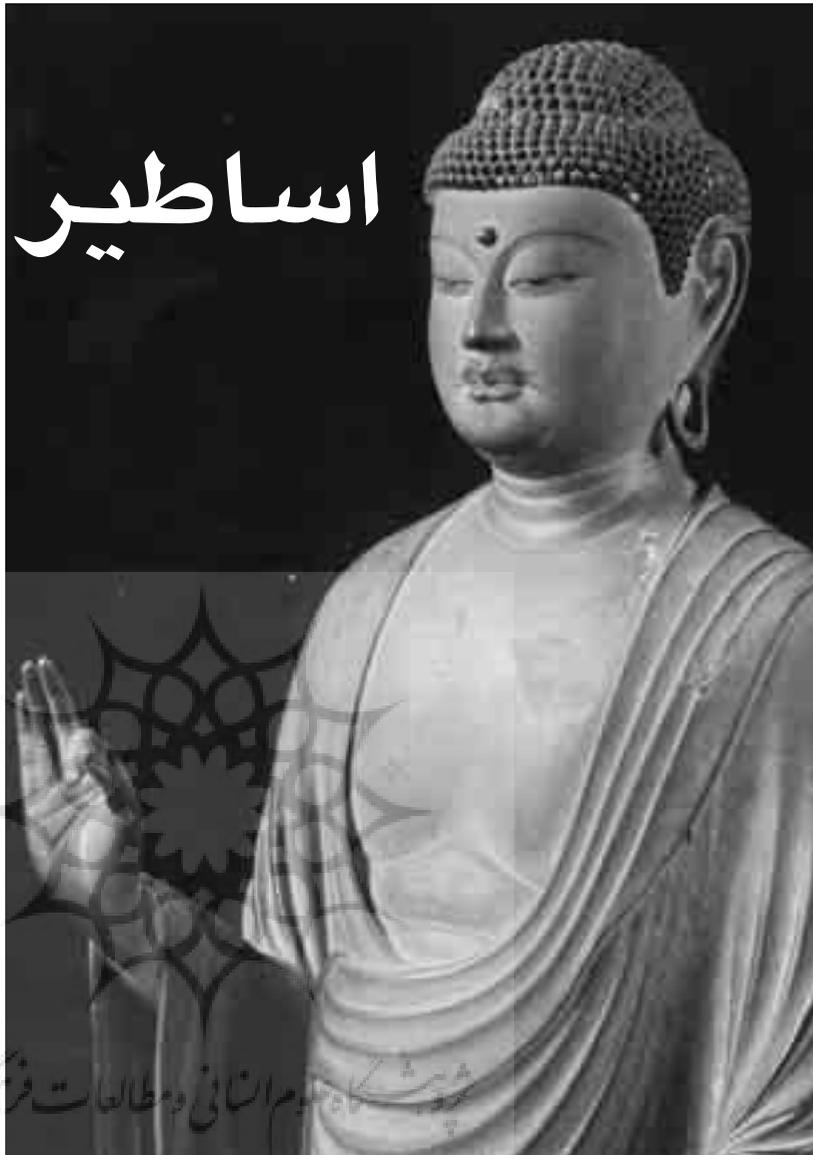


اساطیر ژاپن



فرسنگ‌ها در اساطیر و باورهای مردم ژاپن، آتش و گردباد هیروا و داستان‌های مربوط به آنها می‌باشد.

در فصل دوم با عنوان «بررسی تاریخی» نویسنده به تاریخ مختصر ژاپن و ارتباط تاریخ، شخصیت‌ها و سلسله‌های تاریخی با اساطیر ژاپن می‌پردازد، نویسنده در ابتدای این فصل چنین می‌گوید:

«تشخیص پایان دوره اسطوره‌ای و آغاز دوره تاریخی در ژاپن کاری است مشکل. در دوران تاریخی ژاپن نیز اسطوره‌های بسیاری وجود دارد و از انسان‌های بسیاری می‌توان یاد کرد که زندگانی آنها واقعیت داشته و پس از مرگ به قهرمانان افسانه‌ها مبدل شده، و در بازگویی این روایات افسانه‌ای و در طول زمان برشمار رفتارهای قهرمانی آنان افزوده شده است.»

نویسنده سپس به اختصار به معرفی دو منبع اصلی اساطیر و افسانه‌های ژاپن یعنی **کوچیگی** و **نیهونگی** می‌پردازد.

داستان «یاماموتوداته» فتح کره، ورود آیین بودا، دوره فوجیوارا و انزوای ژاپن از مباحث اصلی این فصل می‌باشد.

فصل سوم به «باورها و خدایان ژاپن» اختصاص دارد. توضیح بسیار مختصر در مورد دین شینتو و ارتباط شینتو و بودیسم و سپس معرفی موجودات اسطوره‌ای مانند «تنگو» و «تونی» و جایگاه اشیایی چون «آیینه» در باورهای ژاپنی‌ها و بررسی جایگاه تندیس‌ها و داستان‌های مربوط به این باورها در این فصل آمده است.

کتاب اساطیر ژاپن نوشته ژولیت پیگوت با ترجمه باجلان فرخی از سلسله کتب ترجمه شده در موضوع اساطیر جهان است که به همت «انتشارات اساطیر» به زیور طبع آراسته شده است. از دیگر کتاب‌ها در این باره می‌توان از **اساطیر مصر، اساطیر چین و اساطیر آفریقا** نام برد. کتاب از هفت فصل تشکیل شده است. در **فصل نخست** نویسنده به موضوع «سرزمین ژاپن و پیدایی آن» می‌پردازد. پس از بررسی اجمالی در مورد وضعیت جغرافیایی ژاپن، بحث اسطوره‌های آفرینش مطرح می‌شود. اسطوره **ایزوناگی** و **ایزونا می آدم** و **حوای** اساطیر ژاپن و سپس اسطوره **اماتراسو** ایزد بانوی خورشید و **سوسانو** - خدای توفان جزء اسطوره‌های آفرینش می‌باشند. از دیگر مباحث این فصل جایگاه درختان و

○ مصطفی ندیم

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

○ اساطیر ژاپن

○ تألیف: ژولیت پیگوت

○ مترجم: باجلان فرخی

○ ناشر: اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳

تلاش نویسنده را باید گردآوری مجموعه‌ای از داستان‌ها و افسانه‌های ژاپنی دانست و نویسنده در تحلیل محتوای این داستان‌ها که جزئی از علم اسطوره‌شناسی است به خود زحمتی نداده است

برای شناخت اساطیر هر ملتی، شناخت وضعیت جغرافیایی آنها،
ارتباط با همسایگانی که دارای تمدن و فرهنگ قدیمی‌تر می‌باشند و
ادیان ابتدایی آن ملت ضروری است

ارتباط نزدیک انسان‌ها با ارواح و اعتقاد به جان‌دار بودن همه موجودات،
چه زنده و چه غیرزنده از پایه‌های اساطیر ژاپنی است. در واقع جایگاه
روح در فرهنگ ژاپنی در این کتاب
مشخص نیست

عنوان فصل چهارم، «موجودات و ارواح» می‌باشد. نویسنده در این فصل به معرفی شناخته شده‌ترین موجودات اسطوره‌ای در نزد ژاپنی‌ها می‌پردازد که عبارتند از تنگوها، ثونی‌ها و کاپاها. سپس داستان‌های معروفی که در مورد این موجودات وجود دارد نقل می‌شود. همچنین در این فصل به باور مهم و بسیار رایج در ژاپن یعنی دیگرریختی حیوانات اشاره شده است. از دیگر موضوعات این فصل اشباح می‌باشند که نویسنده در این باره چند داستان در مورد ارتباط اشباح با انسان‌ها را تعریف می‌کند.

فصل پنجم درباره «پهلوانان و اعمال پهلوانی آنها» می‌باشد. در داستان‌های حماسی ژاپن زنان پهلوان در نبردها نیز نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در بین پهلوانان ژاپنی، موموتارو، ایسوبوشی، کیتنارو، رایکو از محبوبیت زیادی برخوردارند که نویسنده داستان‌های آنها را بازگو کرده است. در بین زنان پهلوان نویسنده از کساگوذن و توراکوذن نام برده به اجمال زندگی آنها را بازگو می‌کند، بدین لحاظ این فصل «قهرمانان و قهرمان بانوان» نام دارد.

فصل ششم «انسان و حیوانات» نام دارد. نویسنده در ابتدای این فصل می‌نویسد: «حیوانات سخنگو در افسانه‌های مردمان سرزمین‌های مختلف فراوان و در ژاپن نیز این‌گونه از داستان‌ها بسیار است.»^۲ از حیواناتی که موضوع بسیاری از افسانه‌های ژاپنی می‌باشد سگ، گربه، روباه و گورکن است. داستان‌های خرگوش سپید ثوکی، گنجشک زبان

بریده، زنبور حق‌شناس، مرغابی‌های کاکلی، گورکن و خرگوش و گربه‌های آزارگر از داستان‌های زیبایی است که نویسنده آن را بازگو کرده است.

عنوان فصل هفتم، «داستان‌های کهن و نو» می‌باشد که در آن به تعداد دیگری از داستان‌ها و افسانه‌های معروف ژاپن اشاره شده است. داستان‌های اوراشیما، هیزم‌شکن و چشمه جوانی، درخت جینگ کو، مرد پیر و درخت گیلاس، روح تایرا، غده‌های هیزم‌شکن و چند داستان دیگر دربر دارنده این فصل می‌باشد.

در پایان کتاب مترجم محترم دو داستان معروف ژاپنی «دختر آئینه» و «یتونورس اوگه» را بر فصول کتاب افزوده که موجب غنای بیشتر محتوای کتاب شده است.

در طول دو دهه گذشته، اساطیر ایران و سپس اساطیر جهان مورد توجه اندیشمندان و فرهیختگان ایرانی قرار گرفته است و در این راستا مترجمین محترم نیز به ترجمه آثار اساطیری روی آورده‌اند. هر چند به علت سختی مطلب و نیاز به پیش شناخت مباحثی دیگر چون فلسفه، دین‌شناسی، ادبیات، زبان‌شناسی و تاریخ باستان موجب شده تا توجه به شناخت اساطیر در ایران نسبت به مباحث دیگر علوم انسانی کمتر باشد، با این حال تلاش این عزیزان در زمینه نگارش و ترجمه آثار اسطوره‌ای ستودنی است.

انتشارات اساطیر در همین راستا به نشر آثاری مربوط به اساطیر جهان روی آورده است که در مجموع ثمربخش می‌باشد. در نقد و بررسی کتاب

اساطیر ژاپن ابتدا به برخی ایرادات بر متن نویسنده محترم ژولیت پیگوت پرداخته سپس در کمال ادب و احترام، تلاش مترجم و ناشر محترم را در خلق اثر به بررسی می‌کشیم.

در مجموع تلاش نویسنده را باید گردآوری یک سری داستان‌ها و افسانه‌های ژاپنی دانست و نویسنده در تحلیل محتوای این داستان‌ها که جزئی از علم اسطوره‌شناسی است به خود زحمتی نداده است. خواننده پس از خواندن این کتاب، تنها به مجموعه‌ای از اطلاعات در مورد داستان‌های ژاپنی دست می‌یابد نه بیشتر، برای بررسی بیشتر این گفته مطالبی را یادآور می‌شویم.

برای شناخت اساطیر هر ملتی، شناخت وضعیت جغرافیایی آنها، ارتباط با همسایگانی که دارای تمدن و فرهنگ قدیمی‌تر می‌باشند و ادیان ابتدایی آن ملت ضروری است.

در ابتدای فصل اول به «جغرافیای طبیعی ژاپن» اشاره‌ای شده است اما در شناخت اساطیر این کشور کافی نیست. به عنوان مثال در این فصل از خدای توفان سوسانو یاد می‌شود که وی همراه با فرزندان به گسترش خاک سرزمین ژاپن پرداختند و نوه سوسانو، ثوی - تسو خط ساحلی این منطقه را با افزودن قطعاتی از کشور کره و چند جزیره دور افتاده گسترش داد. در تحلیل محتوای این اسطوره می‌توان نتیجه گرفت که ژاپن در طول تاریخ خود از کمبود خاک در رنج بوده، در مقابل در صد گسترش خاک خود بوده است، چنانکه در تاریخ معاصر، ژاپن برای گسترش خاک خود جنگی را با کشور چین به راه انداخت و به



منچوری لشکر کشید. نویسنده تقریباً در هیچ موردی داستان‌های قدیمی ژاپنی را تحلیل نکرده است.

همچنین

در مورد اساطیر ژاپن باید گفت که شناخت ادیان ابتدایی ژاپن، دین مردم باستانی این سرزمین یعنی آئیوها و سپس شرح دین شینتو و جایگاه آن در ژاپن لازم بود اما نویسنده، این مطالب را به حدی مختصر بیان داشته که قابل فهم نیست.

جدا از این باید گفت که

ژاپن تا مدت‌ها در بسیاری

از مسائل فرهنگی از جمله

دین و مدار فرهنگ و تمدن

چین بود. دین شینتو از دین بودایی

تأثیر زیادی پذیرفت و پس از چند قرن

ژاپنی‌ها شینتو را از دین بودایی جدا کرده و

از فرهنگ بومی تأثیر بیشتری گرفتند.

از دیگر مسائل مهم در فرهنگ ژاپن که در

زندگی مردم این کشور نقش مهمی ایفا کرده

است، آئین «بوشیدو» می‌باشد. آئین بوشیدو شامل

مجموعه‌ای تعلیمات و آموزش‌های نظامی همراه

با پرورش روح بوده است که خویشترداری، اطاعت

از فرماندهی و فدا کردن جان در راه وطن در این

آئین جایگاه خاصی داشته است. فرهنگ شوگونی

(سامورائی) از این آئین تأثیر زیادی پذیرفت.

در این کتاب این مباحث نیامده است یا در

صورت بیان بسیار مبهم و کوتاه است.

از جمله دیگر مطالب مهم در مورد شناخت

دین ژاپنی، شناخت جایگاه ارواح و به‌طور کلی دین

«انیمستی» در این کشور می‌باشد. ارتباط نزدیک

انسان‌ها با ارواح و اعتقاد به جان‌دار بودن همه

موجودات چه زنده و چه غیرزنده از پایه‌های

اساطیر ژاپنی است. در واقع جایگاه روح در فرهنگ

ژاپنی در این کتاب مشخص نیست.

در مورد عشق انسان نسبت به روح و تبدیل

شکل گیاهان، عوارض طبیعی و حیوانات به صورت انسان که در ژاپن بسیار رایج است، داستان‌هایی بیان شده اما تحلیل محتوا نشده است، در حالی که همه این مطالب با شناخت دین انیمیسیم در ژاپن قابل تبیین است.

در فصل دوم که بررسی تاریخی نام دارد مرز بین اساطیر و تاریخ را به‌خوبی مشخص نکرده تا آنجا که خواننده دچار سردرگمی شده، به نتیجه واضحی نمی‌رسد.

از جمله مطالب مهم دیگر در شناخت اساطیر ملل و از جمله ژاپن، شناخت جایگاه خدایان و ارتباط آنها با مسائل اجتماعی در جامعه است. نویسنده از خدای خورشید و ماه سخن گفته، روابط آنها با دیگر خدایان و داستان‌های مربوط به آنها را بیان داشته است اما واقع آنکه **اماتراسو** - ایزدبانوی خورشید - و در کنار آن خدای ماه در ژاپن چه ارتباطی با جامعه آن روز ژاپن داشته است؟ در حالی که می‌دانیم خدای خورشید با تغییر معیشت انسانی از شبانی به کشاورزی و تغییر فرهنگ از مادرسالاری به پدرسالاری و حتی تغییر سکونت‌گاه از خانه‌به‌دوشی به سکنی‌گزینی ارتباط دارد که در این مورد ایزد بانوی خورشید و ایزد ماه از کشور چین تأثیر زیادی پذیرفته‌اند.

در مورد ترجمه و چاپ کتاب باید گفت ترجمه در مجموع تقریباً یک دست است اما در مواردی روان و شیوا نیست که به نظر می‌رسد نوع نوشتار نویسنده نیز تأثیر داشته است به عنوان نمونه در ابتدای فصل بررسی تاریخی در معرفی دو کتاب کوچیکی و نیهونگی آمده است:

«این کتاب بزرگ‌ترین مأخذ اساطیر ژاپن و افسانه‌های پیش از تاریخ یا نیمه‌تاریخی فراهم شده در نخستین فصل و فصل‌های دیگر این کتاب برگرفته شده از این دو کتاب است.» البته احتمال دارد ابهام در مطلب ناشی از اشتباه چاپی باشد.

به هر حال ترجمه کتاب توسط آقای باجلان فرخی را به خاطر مشکل بودن خود متن، سختی مطلب و شیوه نوشتار نویسنده که در واقع نه آن قدر ساده است که قابل فهم باشد و نه آن قدر علمی که تخصصی باشد، را باید ارج نهاد.

در مورد چاپ اثر، به خاطر وجود تعداد زیاد اسامی که غالباً ناملموس می‌باشند توجه و دقت ناظر چاپ و مسؤولان انتشارات را طلب می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. پیگوت ژولیت: اساطیر ژاپن، ترجمه باجلان فرخی، چاپ اول، انتشارات اساطیر تهران: ۱۳۷۳، ص ۳۶.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. همان، ص ۳۶-۷.